

## ایران هفته‌ای پر تب و تاب را پشت سر گذاشت!

اعتراضات صنفی دانشجویان کوی دانشگاه امیرآباد، آنچنان سریع مضمونی سیاسی بخود گرفت و گسترده شد که، ایران را در هفته گذشته و تاکنون هم در مرکز توجه رسانه های گروهی جهان قرار داده است.

با آغاز این حرکت، برخلاف دوره‌های قبلی، مردم به سمت کوی دانشگاه بحرکت درآمدند و دانشجویان را مورد حمایت خود قرار دادند. موضوع خصوصی کردن دانشگاهها و ماده ۱۵۳ برنامه توسعه اقتصادی به حاشیه رفت و بجای آن ساختار حاکمیت، سران رژیم و نمادهای حکومتی مورد حمله سیاسی مردم بجان آمده قرار گرفتند.

درگیری و تنش مابین تظاهرکنندگان از یک طرف، لباس‌شخصی‌ها و نیروی انتظامی از طرف دیگر آغاز شد. دامنه آن از مراکز دانشگاهی فراتر رفت و به شماری از شهرستانهای مهم و دارای نقش در هرگونه تحول سیاسی کشیده شد. یکبار دیگر اسامی شهرهای بزرگی چون اصفهان، شیراز، تبریز، کرمان، کرمانشاه، همدان و مشهد و کرج و چند شهرستان دیگر بعنوان مراکز بروز ناآرامیها بر سر زبانها افتاد. تظاهرات شبانه، بوق زندهای ممتد رانندگان اتوموبیلها، سوت زدن بر پشت بام منازل، آتش زدن لاستیک در بزرگراهها، جنگ و گریزهای خیابانی و پاسخ به تهاجم نیروهای لباس شخصی، بسیج و نیروی انتظامی از مشخصات یک هفته تظاهرات متوالی دانشجویان و مردم ایران است.

نقش ارتباطات و رسانه های گروهی سمعی و بصری، علیرغم اعمال سانسور الکترونیکی فضائی، در تشدید، انعکاس و تاثیرگذاری بر این رویدادها انکار ناپذیر است. می‌گویند که: «تلگراف که وارد ایران شد، انقلاب مشروطه را در پی داشت. کاست و تلفن که آمد، انقلاب ۵۷ رخ داد و امروز ماهواره و اینترنت دیوار سانسور را می شکنند».

بهررو، جبهه های گشوده شده (مردم و اپوزیسیون از یک طرف و حکومت از طرف دیگر) علیرغم ناهماهنگی درونیشان، در مقابل هم صف‌آرایی کرده اند و آتش بر خرمن است. مردم و اپوزیسیون در حال پیشروی و تحکیم مواضع بدست آمده اند. حکومتی‌ها چند قدم به عقب رفته‌اند. اما اگر شرایط بدرستی تشخیص داده نشود، سازماندهی و تاکتیک مناسب اتخاذ نگردد، مواضع تصرف شده می‌تواند از دست برود.

حکومتی‌ها که کاملاً غافگیر شده بودند، دور اول که عبارت از منزوی کردن دانشجویان در چارچوب دانشگاهها و محدود کردن مطالباتشان به چارچوبهای صنفی و مرعوب کردنشان با عریده کشیهای انصار و نیروی‌های نظامی بود، را باختند. در تهران مردم وسیعاً با بسیجی‌ها به مقابله برخاسته‌اند. در اصفهان یک پایگاه بسیج به تصرف مردم درآمده، یک کلاتتری مورد حمله قرار گرفته است. لباس‌شخصی‌ها نیز در میدان اسیر بجا گذاشته اند.

در بعد سیاسی امتیازات مردمی بیشتر از این بوده است. روز چهارشنبه ۲۸ خرداد طرحی در مجلس به تصویب رسید، گرچه نوک حمله آن علیه مردم به خیابان آمده است، اما برای اولین بار محدود کردن دامنه عمل لباس شخصی‌ها را هم از نظر دور نداشته است. از عزم بنام ملی برای مقابله با آنها سخن رفته است. طی چند روز گذشته هم برای فرونشاندن خشم افکار عمومی چند نفر از آنها را بازداشت کرده‌اند. ←



## حوادث روزهای اخیر پایه‌های رژیم را سست‌تر کرد!

صفحه ۲

### تبلیغات راسیستی‌علیه مهاجرین افغانی در ایران

صفحه ۵

## تحقق خواست نان، کار و آزادی بوسیله مبارزه کارگران و زحمتکشان ممکن است، نه از طریق رقابت‌های بین دول بورژوازی

صفحه ۶

### برنامه سراسری رادیوکومه‌له

«رادیو کومه‌له» در ادامه برنامه هایی که تاکنون پخش آنها برای ایران و منطقه خاورمیانه بود، برنامه ویژه ای را نیز در سطح سراسری هر یکشنبه از ساعت ۱۸ تا ۱۹ به وقت اروپای مرکزی به دو زبان کردی و فارسی روی موج ۴۱ متر، فرکانس ۷۵۶۰ کیلوهرتز پخش می‌کند.



این برنامه بر روی «سایت رادیو صدای کومه‌له» و سایت های «کومه‌له» و «حزب کمونیست ایران» نیز قابل دسترسی است  
ساعت و طول موج این رادیو را به اطلاع دوستان و آشنایان خود برسانید



## مسئله فلسطین و طرح «نقشه راه»

صفحه ۸

بهرام رحمانی

## حوادث روزهای اخیر پایه‌های رژیم را سست‌تر کرد!

روزهای اخیر جامعه ایران، به ویژه کارگران و دانشجویان و توده‌های جان به لب رسیده، پایه‌های رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی ایران را بیش از پیش سست کرده‌اند و با حضور در خیابان‌ها و مقاومت در مقابل نیروهای سرکوبگر رژیم، یکبار دیگر با صدای رسا و بلند اعلام می‌کنند که جمهوری اسلامی را نمی‌خواهند. باید این رژیم برود!

در چنین وضعیتی کشمکش و اختلاف جناح‌های رژیم نیز بالا گرفته است. رهبران رژیم، در هراس از جنبش فزاینده طبقاتی به هذیان‌گویی افتاده‌اند، علی‌خامنهای رهبر جمهوری اسلامی، فرمان سرکوب شدید مخالفین را صادر کرده است. خاتمی رئیس‌جمهور می‌گوید در ایران، خبری نیست و مخالفین در خارج کشور، وقایع را بزرگ می‌کنند. اما واقعیت این است که صدای ناقوس مرگ جمهوری اسلامی، در کارخانه‌ها، دانشگاه‌ها و خیابان‌ها به صدا درآمده است. اعتراضات خیابانی تقریباً هر شب ادامه دارد و اکثر شهرهای کشور را فرا گرفته است. در این مطلب مروری خواهیم داشت به تحرک جدید جنبش کارگری، به ویژه کارگران بهشهر، جنبش دانشجویی و عکس‌العمل نیروهای خارج کشور، در مقابل وقایع اخیر ایران.

### جنبش کارگری

در چند هفته اخیر اعتراضات کارگران، در برخی از کارخانه‌های کشور رخ داده است. برای مثال ۳۳۰ کارگر سامیکو همدان، در مقابل فرهنگسرای این شهر در اعتراض به عدم پرداخت ۶ ماه دستمزد و پاداش آخر سال خود دست به تجمع اعتراضی زدند. کارگران تهدید کردند که اگر به مطالباتشان پاسخ داده نشود، دست به تظاهرات خواهند زد.

روز ۲۷ خرداد ماه، ۲۵۰ کارگر مبلیران تهران، در اعتراض به عدم پرداخت خود در مقابل دفتر کارخانه کاترپیلار دست به تجمع زدند. لازم به یادآوری است که کارگران مبلیران، در یک سال اخیر بارها در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای معوقه خود دست به تظاهرات زده‌اند، از جمله کارگران این کارخانه، روز شنبه ۲۴ خرداد ماه، جاده مخصوص کرج را از ساعات اولیه صبح مسدود کردند و این حرکت اعتراضی، علی‌رغم تهدید نیروهای انتظامی تا ساعت ۲ بعد از ظهر ادامه پیدا کرد.

۲۵۰ کارگر قطار شهری در ۲۷ خرداد ماه، به دلیل عدم پرداخت دستمزدهایشان در مقابل وزارت کار تجمع کردند.

اعتصاب کارگران کارخانه‌های شهرک صنعتی گناباد، کارگران کارخانه کشمیر، کارگران چوب‌نگار علیه سیاست‌های ضدکارگری رژیم و جهت دستیابی به مطالبات خود از جمله دستمزدهای معوقه دست به تحصن و اعتراض می‌زنند، نمونه‌هایی از اعتراضات کارگری است.

همچنین اعتصاب و اعتراض کارگران بهشهر، که از روز چهارشنبه ۲۷ فروردین ماه سال جاری، در اعتراض به تعویق پرداخت دستمزدهایشان به مدت ۲۶ ماه و ۵ سال عیدی، دست به اعتراض زدند. در این تظاهرات حدود ۲۵ هزار نفر شرکت کردند. در این تظاهرات کارگران کارخانه‌های نساجی دیگر حضور داشتند. پلیس، به تظاهرکنندگان یورش آورد و تعدادی را زخمی و یا دستگیر کرد. اما کارگران به طرق مختلف به اعتراض خود همچنان ادامه می‌دهند.

از آن تاریخ تاکنون چندین بار کارگران بهشهر به خیابان‌ها آمدند و در تظاهرات‌های خود علیه سردمداران رژیم جمهوری اسلامی سرمایه‌داری ضدکارگر و ضدانسان شعار دادند. سرانجام به دلیل این که وعده‌های

که شاید بحران آخر باشد را در دستور کار خود قرار داده است.

از طرفی دیگر، از آنجا مبارزات روز افزون کارگران طی ماه‌های گذشته و این حرکت هم، ریشه در اعماق جامعه دارد و فوران نارضایتی پاسخ‌نگرفته توده‌های استثمار شده است، حتی در صورت سرکوب، پایانی برای آن متصور نیست. اعتراضات هر روز دامنه گسترده‌تری بخود می‌گیرد. دانشگاه و محله، شهر و شهرستان، کارگران، زنان، جوانان، دانشجویان و بیکاران نیروی محرکه این مبارزاتاند و می‌رود که سراسری شود.

این اعتراضات نه تنها صنفی باقی نماند و سیاسی شد، بلکه بر فعالیت‌های اقتصادی کشور نیز تاثیر بلاواسطه بر جای گذاشت. تا جائیکه طی هفته گذشته شماری از تجار و بازرگانان سرمایه‌های خود را به دوی منقل کردند، و شاخص بورس تهران شدیداً سقوط کرد. می‌گویند که بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر به این سو این شدیدترین کاهش شاخص بورس تهران بوده است. شواهد نشان می‌دهد، علی‌رغم ضعف هایش، اما جبهه مردمی و نیروهای درگیر در این اعتراضات تمایلی به بازگشت به خانه‌هایشان را ندارند. سوی تداوم اعتراضات و کشاندنش به شهرستانها، تدارک برگزاری تجمعات بزرگ در ۱۸ تیر در چشم انداز است.

آنچه که در این میان مهم است، این است که تظاهرات ۱۸ تیر را نباید به دانشگاه‌ها و مراکز عملی آنها در تهران محدود کرد، بلکه باید کوشید این تجمعات سراسری شود، و شعارهایش را از هم اکنون بر سر زبانها جاری ساخت.

و در این جا باید به نقش نیروهای چپ و کمونیست در خارج کشور در قبال این رویداد در خارج کشور نیز پرداخت. تشکیل ستادهای تبلیغاتی برای انعکاس سریع رویدادها، سازماندهی اعتراضات موثر در خارج کشور، جلب حمایت افکار عمومی در سطح بین‌المللی نه تنها زمینه‌های مناسبی برای زورآزمایی اجتناب‌ناپذیر فرداست. بلکه از وظائف عاجل نیروهای چپ و رادیکال است.

فرهاد شعبانی

یاد آوری می‌کنم که با رشد اعتراضات مردمی در سال ۵۶ رژیم سلطنتی هم شماری از مهره‌های اصلی را از پست‌های خود بر کنار و به زندان انداخت. جابجائی عناصر و قربانی کردن چند عنصر حکومتی تازه سرآغاز این عقب‌نشینی‌هاست. اما در عین حال قوای سه‌گانه و مراکز اصلی تصمیم‌گیری نظام با در دستور قرار دادن مجموعه‌ای از اقدامات پیشگیرانه در صددند تا اعتراضات مردمی را فروشانند. برخی از این اقدامات از این قرار است:

- وزارت اطلاعات دست به استفاده از ابزار زنگ زده راه اندازی مصاحبه‌های تلویزیونی با شماری از بازداشت‌شدگان زده است. غافل از اینکه این روش مدهاست کاربرد ارعابی خود را از دست داده و دیگر کسی برای این صحنه‌سازی‌ها ارزشی قائل نیست. در افکار عمومی خارج از ایران هم جز رسوائی برای رژیم دست‌آورد دیگری نداشته است.

- خبرگزاریها و رسانه‌های گروهی دولتی با سکوت و اطلاع رسانی تحریف شده از رویدادها درصدد آرام نشان دادن اوضاع‌اند. غافل از اینکه سالهاست که دنیا آنچنان بهم نزدیک و کوچک شده که ساکنین آن براحتی صدای همدیگر را می‌شنوند.

- نیروی انتظامی را با توسل به ترسند برقراری نظم و حفظ امنیت دانشجویان در کوی دانشگاه و برخی دیگر از مراکز دانشگاهی مستقر کرده‌اند و بدین‌ترتیب حکومت نظامی اعلام نشده برقرار شده است.

- وزرات کشور از صدور هرگونه اجازه‌ای برای برگزاری تجمعات ۱۸ تیر تاکنون خودداری کرده و زمزمه اعلام وضعیت فوق‌العاده در این ایام بر سر زبانها افتاده است.

- تعطیل قبل از موعد دانشگاهها و برگزاری امتحانات آخر سال تا قبل از ۱۸ تیر به منظور پراکنده کردن دانشجویان و فرستادنشان به شهرستانها از دیگر تاکتیک‌هاییست که حکومت در پی اجرای آن است.

اینها و توسل به سرکوب و موعظه که تاکنون نتایج معکوس ببار آورده است، مجموعه اقداماتی است که دولت جهت از سرگذاردن این بحران

مسئولین رژیم، در پرداخت دستمزدهای معوقه‌شان دروغ از آب درآمد، تعدادی از کارگران، در محوطه کارخانه از ۲۷ اردیبهشت ماه دست به اعتصاب غذا زدند و در حال حاضر نیز ادامه دارد. حال چند نفر از کارگران وخیم اعلام شده است. کارخانه در محاصره نیروهای انتظامی قرار دارد و رابطه کارگران اعتصابی با خارج را قطع کرده‌اند. کارگرانی اعتصابی اعلام کرده‌اند تا دستیابی به مطالباتشان به اعتصاب و اعتراض خود ادامه خواهند داد. بدون شک این اعتراضات کارگران بهشهر، که اکنون به سمبل مقاومت و رادیکالیسم جنبش کارگری بر علیه رژیم و پافشاری بر پرداخت دستمزدهای معوقه و دیگر مطالباتشان تبدیل شده است، ابعاد گسترده‌تری پیدا خواهد کرد.

در خارج کشور نیز نیروهای مدافع کارگران، کمونیست‌ها کمپین گسترده‌ای را در دفاع از مبارزات کارگران و به ویژه کارگران بهشهر راه انداخته‌اند، برای مثال شورای نیروهای چپ و کمونیست، در استکهلم، پایتخت سوئد، یک هفته پیکت اعتراضی در مقابل دفتر مرکزی فدراسیون سراسری کارگران سوئد، با خواست این که این فدراسیون، در حمایت و پشتیبانی از مطالبات کارگران ایران و بهشهر، جمهوری اسلامی را به دلیل سیاست‌های ضدکارگری‌اش محکوم کند و از فدراسیون‌های کارگری اروپا بخواهد سیاست مشابهی را اتخاذ کنند را برگزار کرد. همچنین بیانیه‌ای در رابطه با مهم‌ترین و اساسی‌ترین مطالبات کارگران و مبارزات کارگران بهشهر، برای امضا در سایت‌های اینترنتی قرار دارد که تاکنون بسیاری از سازمان‌های سیاسی چپ و کمونیست، کانون‌ها و نهادهای مدافع کارگری و صدها انسانی که در امر پیشبرد مبارزات کارگری و کمونیستی دخیلند آن را امضا کرده‌اند، از جمله کمیته خارج کشور حزب کمونیست ایران و دفتر نمایندگی کومه‌له در خارج کشور.

در حالی که بند و بست سازمان بین‌المللی کار با جمهوری اسلامی در جریان است، ایران در مقایسه با ۵۰

کشور جهان، از نظر مناسب بودن فضای کار، در آخرین ردیف قرار گرفته است. بنا به گزارش شبکه صنعت ایران، مهندس رضا ویسه، مدیرعامل سازمان گسترش و نوسازی صنایع، با اشاره به نتایج پژوهش در خصوص محیط کار گفت: «ایران در بررسی محیط کار بین ۵۰ کشور دنیا از نظر شرایط نامناسب محیط کار، آخرین رده را به خود اختصاص داده است...». بدین ترتیب شاید کارگران ایران، یکی از بی‌حقوق‌ترین کارگران جهان باشد که به مبارزه سخت و دشواری با یک رژیم جانی و دیکتاتوری سرمایه در حال مبارزه طبقاتی است. از این‌رو کمپین دفاع از مطالبات و مبارزه کارگران ایران، در خارج کشور، باید به عنادین مختلف با جدیت و پیگیری تداوم پیدا کند و گسترش یابد. ما کمونیست‌ها که برای حقوق و آزادی‌های کل جنبش کارگری بی‌وقفه مبارزه می‌کنیم، باید با سازمان‌دهی اعتراضات و جلب حمایت و پشتیبانی بین‌المللی هم طبقه‌های خود، رژیم جمهوری اسلامی را آنچنان در انزوا و فشار قرار دهیم تا مطالبات کلیه کارگران ایران و به ویژه کارگران چیت‌سازی بهشهر را بپذیرد و راه برای ارتقای مبارزه ضدسرمایه‌داری طبقه کارگر در جهت سرنگونی رژیم سرمایه و برپایی حکومت کارگری هموار گردد.

## مبارزه دانش‌جویان و پشتیبانی مردم

شهر تهران، هفته‌های گذشته شاهد بزرگ‌ترین اعتراضات دانش‌جویان بعد از وقایع ۱۸ تیر سال ۱۳۷۸ است. دانش‌جویان دانشگاه تهران، در اعتراض به طرح خصوصی‌سازی دانشگاه‌های کشور، در کوی دانشگاه دست به تظاهرات زدند. دانش‌جویان معترض مورد حمله لباس شخصی‌ها و مامورین انتظامی قرار گرفتند و این مسئله سبب شد که درگیری‌ها با مقاومت دانش‌جویان ادامه پیدا کند. همچنین مردم معترض بلافاصله به پشتیبانی از مبارزات دانش‌جویان برخیزند.

در یک اقدام شجاعانه دانش‌جویان سه نفر از لباس شخص‌ها را دستگیر کردند و به داخل خوابگاه بردند و موتورهایشان را آتش زدند. یکی از

این سه نفر به نام «مجیدب» که در ساختمان ۱۸ خوابگاه کوی دانشگاه به اسارت دانش‌جویان درآمده بود، زمان دستگیری با خود گاز اشک‌آور و بی‌سیم حمل می‌کرد، برای این که هویت اطلاعاتی خود را مخفی کند، به ایسنا گفت: «کلیه پزشکان، مجاز به حمل گاز اشک‌آور بوده و در پشت شهرداری نیز به راحتی می‌توان این گونه ابزارها و وسایل دفاع شخصی را تهیه کرد، اما من پزشک نیستم».

موج جدید اعتراض دانش‌جویان، از کوی دانشگاه تهران، به نقاط دیگر شهر سرایت کرد و سپس شهرهای دیگر مانند تبریز، مشهد، کرج، رشت، شیراز، اصفهان، همدان و ... را نیز فرا گرفت.

بنا به گزارش خبرگزاری کار ایران، ایلنا، حدود ساعت ۲ بامداد شب ۲۳ خرداد ماه، حدود ۶۰۰ نفر از گروه‌های لباس شخصی با حمله به خوابگاه دانش‌جویان «شهید همت» عده زیادی را زخمی کردند که حال چند تن از آن‌ها وخیم است. این گزارش می‌افزاید: «این گروه به داخل اتاق‌های خوابگاه حمله و به ضرب و شتم شدید دانش‌جویان پرداختند. تعدادی از دانش‌جویان از طبقه بالای خوابگاه به پایین پرتاب شدند و تعدادی نیز مورد اصابت قرار گرفتند که حال عده‌ای از آنان وخیم گزارش شده است. تعداد مجروحین حدود ۷۰ نفر بوده است که در بیمارستان «شهید شریعتی» بستری هستند. همچنین تعدادی از دانش‌جویان نیز ناپدید شده‌اند که تعداد آنان معلوم نیست. در این یورش وحشیانه عوامل رژیم، فضای داخل خوابگاه به شدت تخریب گردید و روی دیوار و پله‌ها نیز خون دانش‌جویان ریخته شد.

معاون سیاسی - امنیتی استانداری تهران، آمار دستگیرشدگان روزهای اخیر تهران را ۳۱۷ نفر اعلام کرد. طلایی فرمانده نیروی انتظامی تهران گفت، دانش‌جویان در این اعتراضات ۱۳۰ تا ۱۵۰ نفر از افراد نیروی انتظامی را زخمی کردند.

روز دوشنبه ۲۶ خرداد ماه، تعدادی از دانش‌جویان دانشگاه تهران در صحن دانشکده فنی دانشگاه تهران،

دست به اعتراض زدند. دانش‌جویان در این تجمع خواستار آزادی دانش‌جویانی که در روزهای اخیر بازداشت شده‌اند، همواره شعارهایی علیه سردمداران رژیم سر دادند.

بنا به گزارش سایت‌های خبری و روزنامه‌های محدود جمهوری اسلامی، در نقاط مختلف شهر اصفهان دانش‌جویان دست به اعتراض زدند. حدود ساعت ۳ بعد از ظهر در خیابان حمیدیه اصفهان، تجمعی در حدود ۲۰۰ نفر از دانش‌جویان برگزار شد که پس از یک ساعت با دخالت نیروهای انتظامی پایان یافت. همچنین در حدود ۱۵۰ نفر از دانش‌جویان در خیابان هزار جریب تجمع کردند و اقدام به آتش زدن لاستیک و اتومبیل شهرداری نمودند. عده‌ای به بانک

صادرات شعبه مطهری اصفهان حمله کردند. به کلاتری ۲۰ اصفهان حمله شد و یکی از مامورین مستقر در کلاتری، بر اثر تیراندازی زخمی گردید. عده‌ای هم به پایگاه بسیج بهرام‌آباد اصفهان حمله کردند. تجمعات دیگری نیز در خیابان عاشورا، پشت مسجد شفیعی، خیابان ۲۲ بهمن، خیابان خمینی و بزرگراه زمندگان اسلام انجام شد و تجمع کنندگان با آتش زدن لاستیک شعارهایی علیه سردمداران رژیم سر دادند. در تجمع دیگری در حوالی ملک شهر، معترضین شیشه‌های ادارات و بانک‌ها در خیابان‌های زینبیه، دو طفلان و قرض‌الحسنه رجایی را شکستند و این درگیری‌ها تا ساعت ۴ بامداد ادامه داشت.

مدیرکل دادگستری اصفهان، تعداد دستگیرشدگان حوادث اخیر در این استان را بیش از ۳۰۰ نفر اعلام کرد. در خمینی شهر، حدود ۵۰۰ نفر تجمع کردند و در محله جوی‌آباد این شهر، ترانس برق خیابان کهنده را آتش زدند که سرانجام با حمله مامورین انتظامی و دستگیری حدود ۱۰ نفر پایان یافت.

در تبریز، از غروب روز یکشنبه ۲۵ خرداد ماه، تجمع اعتراضی دانش‌جویان آغاز شد. دانش‌جویان دختر در خوابگاه‌های خود دست به اعتراض و تجمع زدند. این اعتراض دانش‌جویان، صبح روز دوشنبه

در داخل دانشگاه ادامه پیدا کرد و صدها تن از دانشجویان خواهان لغو امتحانات گردیدند و در برابر دانشکده شیمی تجمع کردند و علیه سردمداران رژیم، از جمله، «انصار جنایت می‌کند، رهبر حمایت می‌کند»، «این جنبش دانش‌جو است، نه جنبش آمریکا»، «حمایت حمایت»، مرگ بر طالبان، چه کابل، چه ایران، چه تهران»، «آزادی اندیشه همیشه همیشه»، «دانش‌جوی با غیرت، حمایت حمایت»، «مرگ بر مستبد» «خاتمی خاتمی استعفا استعفا» ... شعار دادند.

تجمع اعتراضی دانشجویان دانشگاه بوعلی همدان، از روز دوشنبه ۲۶ خرداد آغاز شد. ماموران انتظامی دانشجویان معترض را محاصره کردند، اما دانشجویان در مقابل مهاجمان مقاومت کردند و با پرتاب سنگ و بطری آتش‌زا به سوی ماموران انتظامی از خود دفاع کردند. در این درگیری ۹ نفر از ماموران انتظامی زخمی گردیدند و ۱۰ نفر دانشجویان نیز بازداشت شدند. همچنین دانشجویان با سر دادن شعارهایی علیه قداره‌بندان رژیم، شیشه‌های ساختمان بودجه دانشگاه را شکستند. در حالی که اعتراض دانشجویان، همچنان ادامه دارد و روز به روز نیز گسترده‌تر می‌گردد، سردمداران جمهوری اسلامی، به شدت گیج شده‌اند و موقعیت خود را بیش از پیش در معرض خطر می‌بینند، همه نیروهای مافیایی، شبه‌تروویستی، اطلاعاتی، انتظامی، بسیج و سپاه پاسداران را بسیج کرده‌اند تا اعتراضات را سرکوب کنند. گروه‌های مافیایی موسوم به لباس شخصی‌ها سوار بر موتورسیکلت، در خیابان‌ها به راه می‌افتند و افراد بسیجی با کلت و تفنگ و جلیقه‌های ضدگلوله در خیابان‌ها گشت زنی می‌کنند. نیروهای انتظامی در همه شهرها به حال آماده‌باش درآمده‌اند، اما علی‌رغم همه این تدابیر امنیتی، بگیر و ببندها، تهدیدها و آفریدن رعب و وحشت اعتراضات دانشجویان که اکنون با حمایت و پشتیبانی توده‌های جان‌به‌لب رسیده به خیابان‌ها کشیده شده است، در حال اوج گرفتن است. از این‌رو سردمداران رژیم، سعی می‌کنند این اعتراضات را به عوامل

خارجی منتسب کنند تا زمینه همه جانبه سرکوب معترضین را مساعد سازند. علی یونسی، وزیر اطلاعات رژیم، در گفت‌وگو با خبرنگاران ادعا کرد که این تحركات را آمریکائیان و ضدانقلاب در آستانه سالروز حوادث ۱۸ تیر ماه ۱۳۷۸، دامن می‌زنند. این در حالی است که از جمله دانشجویان دانشگاه تبریز، در جواب یونسی، شعار «این جنبش دانش‌جو است، نه جنبش آمریکا!» را سر می‌دهند.

همچنین در اعتراضات روزهای اخیر دختران و پسران، در مقابل مساجد دست به رقص و پایکوبی زدند و دختران روسری‌های خود را با نفرت به هوا پرت کردند، زیر پای خود لگدمال نمودند و سوزاندند. این با شکوه‌ترین حرکت دانشجویان بود که باید الگویی برای همه زنان و دختران در حرکت‌های اعتراضی باشد. بدون شک این اعتراضات در سالگرد ۱۸ تیر به اوج خود خواهد رسید.

همچنین در اعتراضات روزهای اخیر دختران و پسران، در مقابل مساجد دست به رقص و پایکوبی زدند و دختران روسری‌های خود را با نفرت به هوا پرت کردند، زیر پای خود لگدمال نمودند و سوزاندند. این با شکوه‌ترین حرکت دانشجویان بود که باید الگویی برای همه زنان و دختران در حرکت‌های اعتراضی باشد. بدون شک این اعتراضات در سالگرد ۱۸ تیر به اوج خود خواهد رسید.

## عکس‌العمل

### نیروهای اپوزیسیون در خارج کشور

در خارج کشور نیز در حمایت و پشتیبانی از مبارزات کارگران و دانشجویان، تلاش‌های گسترده‌ای از سوی احزاب، سازمان‌ها، نهادها و کمیته‌ها و رسانه‌های گروهی در جریان است. قطعاً باید این اعتراضات را تقویت کرد و افکار عمومی مردم جهان را به مبارزه بی‌امان علیه جمهوری اسلامی و برای محکوم کردن وحشی‌گری‌های این رژیم، جلب کرد. نیروهای چپ و کمونیست و انسان‌دوست، باید در حمایت از مبارزه کارگران، زنان، دانشجویان، معلمان و توده‌های محروم و ستمدیده، در این شرایط حساس باید تمام نیروی خود را به کار گیرند و مانند گذشته پرچمدار مبارزات خارج کشور باشند. اما طیف راست اپوزیسیون، به ویژه طیف سلطنت‌طلب که با حمایت مالی سازمان سیا فعال شده‌اند، از هر نظر به تخریب جنبش طبقاتی مشغولند. رسانه‌های وابسته به این طیف، تبلیغات غیرواقعی و دروغ راه می‌اندازند.

## گزارشی از اعتراض دانشجویان تبریز

از سحرگاه روز ۲۶/۳/۸۲ زمزمه‌های بروز یک حرکت اعتراضی در میان دانشجویان شنیده می‌شد. دانشجویان در داخل دانشگاه دست به تحصن زدند. این اعتراض در ساعت ۵ بعدازظهر به اوج خود رسید. دانشجویان که در پشت میله‌های داخل دانشگاه تجمع کرده بودند و تعدادشان بالغ بر ۲۰۰ نفر بود و بعضی از آنها نقاب بر چهره داشتند، مردم را به حمایت از خود تشویق می‌کردند. اما چند نفر از ماموران انتظامی مجهز به سپر و باتوم حائل بین مردم خیابان و دانشجویان محبوس در آن طرف میله‌های دانشگاه ساخته بودند. اوائل مردم، روبروی دانشگاه در آن طرف خیابان تجمع کرده بودند که با شعارهای دانشجویان به هیجان آمده و به سمت دانشگاه حرکت کردند. در این هنگام مامورین تنی چند از مردم را دستگیر کردند که با هجوم به آنها و فریاد "ولش کن" مامورین را وادار به آزادی آنها کردند. از این لحظه به بعد بر تعداد مردم افزوده شد و دامنه آن تا چهارراه آبرسانی نیز گسترش یافت. دانشجویان این شعارها را سر می‌دادند و با چوب میله‌های درب دانشگاه را به صدا درمی‌آوردند.

در این لحظات بود که سروکله چند موتور سوار بسیجی پیدا شد. به دنبال آن گارد ویژه با سپر و کلاهخود و باتوم وارد معرکه شدند. مردم هنگام متفرق شدن اندکی از شیشه‌های بانکها را شکستند. پس از متفرق نمودن مردم، مامورین که از عبور خودرو و عابرین از قسمت پمپ بنزین و کلانتری نزدیک دانشگاه جلوگیری می‌کردند، حوالی ساعت ۱۱ شب توانستند تا حدود زیادی کنترل را بدست خود بگیرند. اما همچنان جوپلیسی در محدوده دانشگاه حاکم بود. اکثر مردم سوار بر خودرو سعی داشتند وارد محدوده شوند.

سایت حزب کمونیست ایران  
www.cpiran.org



سایت کومه‌له

www.komalah.org



سایت رادیو

صدای کومه‌له

radiokomaleh.com

صدای حزب کمونیست ایران

هر شب: ۲۱ - ۲۲

صبح جمعه‌ها: ۸ - ۹

۷۵ متر برابر ۳۸۸۰ کیلوهرتز

۶۵ متر برابر ۴۳۸۰ کیلوهرتز

۴۹ متر برابر ۶۴۲۰ کیلوهرتز

صدای انقلاب ایران

صبح‌ها: ۷ - ۸

ظهرها: ۱۳ - ۱۴

عصرها: ۱۹ - ۲۰

۷۵ متر برابر ۳۸۸۰ کیلوهرتز

۶۵ متر برابر ۴۳۸۰ کیلوهرتز

۴۹ متر برابر ۶۴۲۰ کیلوهرتز

## تبلیغات راسیستی علیه مهاجرین افغانی در ایران

حسن رحمان پناه

متحدانه در مقابل این فشارها و رفتار ضدانسانی ایستاد، آن را افشا و خنثی کرد.

اگر پناهندگان و مهاجرین افغانی داوطلبانه و بدون هیچگونه فشاری قصد بازگشت به کشور و زادگاه خویش را داشته باشند، نباید کسی مانع بازگشت آنان گردد و بلکه باید امکانات بازگشت آنها را فراهم کرد و آنها را کمک نمود. اما در صورتیکه مهاجرین افغانی که هم اکنون در ایران زندگی میکنند و سالهاست در این کشور محرومیت و بدبختی و فشار تحمل میکنند، به سختترین کارها تن داده‌اند، عملاً به بخشی از این جامعه تبدیل شده و دارای همسر و فرزندان ایرانی هستند اگر نخواهند به کشور جنگ زده افغانستان بازگردند حق طبیعی و انسانی آنها است همچون دیگر شهروندان ایرانی از تمام امکانات زندگی، کار، مدرسه، امنیت، امکانات درمانی و پزشکی و شرکت در تمام مناصب اداری و کشوری برخوردار باشند. باید با آنها بعنوان شهروندان متساوی‌الحقوق در ایران برخورد شود. کارگر و مهاجر افغانی دشمن مردم ایران نیستند، بلکه متحد و همدرد آنها میباشند. آنان نیز همچون میلیونها مهاجر ایرانی از دست حاکمان جنایتکار اسلامی کار و زندگی خود را رها کرده و درد و مصائب مهاجرت را به قیمت جان خود خریده‌اند. دشمن مشترک مردم ایران و مهاجرین و پناهندگان افغانی جمهوری اسلامی ایران و دولت اسلامی افغانستان و مرتجعین اسلامی از دو سوی مرز هستند. باید جلو سیاستهای غیرانسانی، فاشیستی و راسیستی جمهوری اسلامی در برخورد به پناهندگان و مهاجرین افغانی را گرفت. مردم محروم و ستمدیده ایران نباید اجازه بدهند که جمهوری اسلامی با جان و زندگی و سرنوشت صدها هزار پناهنده افغانی بازی کند. باید از تمام حقوق شهروندی آنان همچون شهروندان ایرانی دفاع کرد. حق کار و زندگی در ایران، حق طبیعی و انسانی آنها است. وظیفه هر انسان آزادیخواهی است که از این حق دفاع کند.

۱۷ خرداد ۱۳۸۲

جمهوری اسلامی مرتکب عملی به غایت غیر انسانی می شود. این قوانین ارتجاعی بیشتر شامل حال زنان و کودکانی میشود که در فرهنگ اسلامی و مردسالاری جایی برای آنها بعنوان انسان در نظر گرفته نشده و اساساً قوانین اسلامی، قوانین ضد زن و ضد آزادی انسان است.

گسترش مهاجرت از افغانستان به دوره طولانی اشغال نظامی و جنگهای ویرانگر گروههای اسلامی با هم بر می‌گردد. در طول این مدت و تابحال صدها هزار نفر از اتباع افغانی برای رهایی از جنگ و کشتار گروههای اسلامی و میلیشای محلی راه مهاجرت به کشورهای همسایه و دیگر نقاط جهان را در پیش گرفتند. دخالت جمهوری اسلامی در رویدادهای داخلی افغانستان و تقویت جناحهایی از گروههای اسلامی در مقابل جناحهای دیگر، ارسال اسلحه و مهمات و نیروی نظامی برای آنان یکی از عوامل اصلی بی‌ثباتی در این کشور و مهاجرت اتباع آن کشور بوده است. از طرف دیگر رفتار غیر انسانی با مهاجرین افغانی در ایران، از قبیل اعزام آنها به جبهه های جنگ ارتجاعی ایران و عراق و به کشته دادن جمع کثیری از آنها، استفاده از نیروی کار ارزان و استثمار وحشیانه کارگران افغانی در کارهای سخت و جان کن با حق دست ناچیز، استفاده از آنها علیه اعتراضات و مبارزات کارگری و ایجاد تفرقه و چند دستگی میان آنان و کارگران ایرانی، بعنوان خارجی و بومی، راه انداختن فضای راسیستی و ضد خارجی به این بهانه که کارگران خارجی پست و شغل کارگران ایرانی را اشغال کرده‌اند و دهها نمونه دیگر، بخشی از اعمال و رفتار غیرانسانی، ضد پناهندگی جمهوری اسلامی است که در مدت کار و حضور مهاجرین در ایران هدایت شده است. اکنون که بار دیگر جمهوری اسلامی سیاست راسیستی و پناهنده ستیزی خود را تشدید کرده که شامل زنان و کودکان ایرانی هم میشود باید بطور فعال و

متناقض و غیرانسانی باعث بی‌ثباتی در زندگی، حال و آینده پناهندگان افغانی و خانواده‌هایشان شده است. اخیراً مقامات جمهوری اسلامی دایره فشار و رفتار غیرانسانی را تنگتر کرده و آنرا شامل حال زنان ایرانی که با اتباع افغانی ازدواج کرده و دارای فرزند مشترک هم هستند، نموده‌اند. مدیر کل امور اتباع و مهاجرین خارجی وزارت کشور یکبار دیگر بر اخراج زنان ایرانی که با مردان افغانی ازدواج کرده‌اند به همراه شوهران و فرزندانشان تاکید کرد.

احمد حسینی، مدیر کل امور اتباع و مهاجرین خارجی وزارت کشور، در گفتگویی با خبرنگاران گفت: «سازمان ملل بعد از سال ۲۰۰۴ به مهاجران افغانی مستقر در ایران هیچ کمکی ارائه نمی‌دهد و در پایان سال ۲۰۰۴ خاتمه وضعیت پناهندگی افغانیها در ایران اعلام خواهد شد». نامبرده افزود: «این خانواده‌ها (منظور خانواده‌هایی است که همسر و فرزند ایرانی دارند) نیز باید به افغانستان بازگردند».

بنا به گفته این مقام جمهوری اسلامی، سازمان ملل قرار است در پایان سال ۲۰۰۴ هیچ کمکی ارائه ندهد که هنوز بیش از یک سال و نیم به این تاریخ باقی مانده است. اما رژیم اسلامی درصدد است از هم اکنون مهاجرین افغانی را از ایران اخراج کند. با این رفتار مقامات حکومت اسلامی قصد دارند کمکهای سازمان ملل به پناهندگان افغانی را در طول این مدت حیف و میل کنند. کاری که تا به حال به کرات شاهد آن بوده‌ایم. استفاده و دزدی امکانات و هزینه‌هایی که برای پناهندگان و مهاجرین خارجی در ایران توسط سازمان ملل و نهادهای انساندوست فرستاده شده، جزو ثروتهای بادآورده برای مقامات و مسئولین اسلامی در ایران است. از سوی دیگر با فرستادن زنان ایرانی و کودکانی که پدر افغانی و مادر ایرانی دارند به افغانستان،

طی روزها و هفته‌های گذشته تبلیغات آگاهانه و هدایت شده‌ای توسط مقامات مسئول جمهوری اسلامی علیه پناهندگان و مهاجرین افغانی در ایران به راه افتاده است. تبلیغاتچی‌های جمهوری اسلامی، بلندگوها و نشریات وابسته به آنها در صدد ایجاد جو و فضای ضدانسانی و مهاجرستیز در افکار عمومی مردم هستند. هرآنچه بعنوان اعمال بد، زشت و غیرانسانی است به پناهندگان و مهاجرین افغانی نسبت داده میشود. بسیاری از این پناهندگان علیرغم سالها زندگی، کار و زحمت و داشتن همسر و فرزند ایرانی، هنوز از امنیت شغلی، اقامت و امنیت جانی برخوردار نیستند.

چند روز پیش مدیر کل اتباع خارجی استانداری خراسان، که آن استان بخش اعظم یا اکثریت پناهندگان افغانی را در خود جای داده، اعلام داشت، که کارت اعتبار دائم مهاجران افغانی از مهرماه امسال، یعنی کمتر از چهار ماه دیگر بی‌اعتبار میشود. نامبرده اعلام داشت که مهاجران مقیم استان خراسان باید کارت اقامت دائم خود را تا اول مهرماه به دفتر اتباع خارجی تحویل دهند. وی اضافه کرد، مهاجرانی که کارت اقامت دائم خود را تحویل ندهند برغم داشتن این کارت جز مهاجران غیرمجاز به حساب خواهند آمد. براساس آمار، بالغ بر ۶۶ هزار کودک مهاجر افغانی در مدارس استان خراسان به تحصیل اشتغال دارند.

مطابق آمارهای رسمی بیش از یک و نیم میلیون مهاجر افغانی هم اکنون در ایران کار و سکونت دارند. بسیاری از آنها جذب بازار کار و جامعه شده‌اند و فرزندان آنها به تحصیل مشغولند. علیرغم این وضعیت مقامات جمهوری اسلامی برخوردی دوگانه به آنها دارند. از سویی از نیروی کار، دسترنج، ابتکار و خلاقیتشان استفاده میکنند و از سوی دیگر کماکان آنها را بعنوان مهاجر، مهمان و پناهنده بدون آینده روشن به حساب می‌آورند. همین برخورد

## تحقق خواست نان، کار و آزادی بوسیله مبارزه کارگران و زحمتکشان ممکن است،

### نه از طریق رقابتهای بین دول بورژوازی

بهرروز ناصری

خود کارگران و توده‌های زحمتکش علیه رژیم سرمایه‌داری اسلامی ممکن است و نه از طریق دولت‌هایی که در پی منافع اقتصادی و سیاسی خویش در صدد اشغال نظامی منطقه‌ای بر می‌آیند. نمونه کشورهای همسایه ایران - عراق و افغانستان - مویدهمین نکته است که کسب نان و آزادی، کار انقلاب از پایین، از سوی کارگران و زحمتکشان است و همین موضوع اصلی است که مبنای شیوه کار و پراتیک سیاسی فعالیت کمونیست‌ها را شکل دهد.

با این حال آیا نمونه عراق در مورد ایران تکرار می‌شود و اینکه انقلاب کارگران و زحمتکشان ایران آثرا سرنگون خواهد نمود؟ اینجا من خود را به بیان متدیک و روش تحلیل مسئله‌ای محدود می‌کنم.

به نظر من بین آن آلترناتیوی که کمونیست‌ها برای آن مبارزه می‌کنند که همانا انقلاب کارگران و زحمتکشان علیه جمهوری اسلامی است و آن اشکال دیگر حکومتی بورژوازی که بنا به اوضاع اقتصادی و سیاسی جهان امکان تحقق از طریق تحمیل را دارند فرق قائل شد. همین نکته می‌تواند ما را منطقی به این نکته برساند که پس، از تحلیل‌هایی که نتیجتاً «می‌شود» و یا «نمی‌شود» که در شدن یک تغییر، فرم قطعی بخود می‌پذیرد، حتی‌المقدور پرهیز کرد. طبیعی است که معنا و مفهوم اصلی که در پس جمله فوق نهفته است، عدم ارائه تحلیل اثباتی از شرایط عینی امروز نیست، بلکه اینست که ما در تحولاتی که شاهد آن هستیم از تحلیل‌های سیاسی کهنه‌ای تا به بن بست برسند و یا عدم صحت آنها بعد از مدت نه چندان طولانی نشان داده شود، روبرو نشویم، علیرغم اینکه نمودهای حمله آمریکا به دولت ایران ضعیفتر از آن هستند که احزاب بورژوازی و ناسیونالیست ایرانی روی آن حساب باز کرده‌اند، اما اگر خارج از تحلیل و خواست ما چنان

خود نزد مقامات آمریکا را کسب کند.

علیرغم تفاوت‌های مابین حزب دموکرات و جریانات مختلف سلطنت‌طلب، اما این دو جریان در یک نقطه اشتراک نظر دارند. تغییر حکومت ایران از بالا و بوسیله دخالت آمریکا و همچنین مقبولیت یافتن نزد آمریکا و انگلیس در مقطع کنونی، حلقه‌هایست که می‌تواند حزب دموکرات، سلطنت‌طلبان و تعدادی از گروه‌های حاشیه‌ای‌تر دیگر را در یک خط قرار دهد و حتی وارد اتحاد‌های غیرمدونی نماید. این نکته به شروط مختلفی، وابسته است. اساسی‌ترین شرط افزایش فشار علنی آمریکا به ایران و در اتخاذ سیاست کمک به اپوزیسیونی است که از قبل اطمینان آمریکا را به خود جلب کرده باشند. در آن صورت نیروهایی که به ظاهر در تضاد با یکدیگر زیسته‌اند، مناسبترین فرجه را برای نزدیکی بیشتر به هم پیدا می‌کنند.

اما پیروزیهای نظامی امپریالیسم آمریکا هر اندازه باشد و انتظارات اپوزیسیون راست از دخالتگری آمریکا در رابطه با تغییر حکومت ایران از بالا به هر درجه‌ای باشد، تغییری در این اصل نمی‌دهد که کمونیست‌ها دنبال تغییرات بنیادین اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در جامعه از طریق انقلاب توده‌های کارگر و زحمتکش هستند و اتکا خود را به طبقه کارگر و توده‌های زحمتکش برای تغییر محدود می‌کنند. در واقع شرایط سیاسی امروز محک و معیار مناسبی برای سنجش ادعاهای احزاب بدست داده است. نمی‌توان مدافع توده‌های کارگر بود، ولی از سوی دیگر در انتظار تغییر از بالا و بوسیله دخالت نظامی آمریکا نشست. نمونه عراق به شیوه تجربی نیز این را تاکید می‌کند که مسئله آزادی و حقوق دموکراتیک کارگر و زحمتکش عراق مطرح نیست. بدست آوردن نان و آزادی تنها با اتکا به مبارزه متشکل

آوردن نان و آزادی برای توده‌های کارگر آن کشور خواهد بود؟ آیا دوران انقلاباتی که منشاء تغییرات بنیادین اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در یک جامعه باشد به سر رسیده است؟ و آیا تغییرات در سطح وسیع و اجتماعی تنها از مجرا و روش‌های امپریالیستی تحقق می‌پذیرند؟

پاسخ به چنین سؤالاتی در مرحله اول بستگی به جایگاه و موقعیت طبقاتی پاسخ دهندگان دارد. قصد این مقاله نه بررسی سیاست‌های احزاب علی‌العموم، بلکه نگاهی کلی به خط سیاسی جریاناتی است که از نظر اجتماعی مطرح‌ترند و از سابقه تاریخی طولانی تری برخوردارند.

برای جریانات سلطنت‌طلب، آمریکا نقش محوری در تغییر سیستم حاکمیتی در ایران بازی می‌کند و آنها آشکارا چشم انتظار تکرار نمونه عراق در ایران هستند. اگر توده‌های کارگر و زحمتکش جایگاهی نزد سلطنتی‌ها داشته باشند، آن جایگا، ابزاری و حاشیه‌ای است. محور اصلی جریان مذکور به قناعت رساندن مقامات کاخ سفید برای انجام دادن کاری در رابطه با ایران است، که بین شیوه سلطنت‌طلبان قدرت سیاسی از دست رفته در نتیجه انقلاب ۱۳۵۷ را باز ستانند.

جریان دیگری که اخیراً موضوع خود را به شکل آشکارتری بیان داشته است، حزب دموکرات کردستان ایران است. حزب دموکرات با مشاهده نمونه جنگ آمریکا در عراق و سقوط حکومت بعث درصدد است تا نقشی نظیر احزاب کرد در کردستان عراق را برای خود در ایران بوجود آورد. اطلاعیه آخرین پلنوم کمیته مرکزی حزب دموکرات در مورد وضعیت عراق پس از سقوط حکومت بعث و دیدار نماینده این حزب با مقامات آمریکایی، دال بر این واقعیت است که حزب دموکرات برای تغییر رژیم جمهوری اسلامی، بر تحركات و مواضع آمریکا حساب باز کرده است و از همین حالا در صدد است تا مقبولیت

در روزگاری که مدل لیبرالیستی در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در سطح بین‌المللی تفوق کامل را داراست و همزمان راه برای پیدایش و رشد گرایش‌های متفاوت فکری که می‌تواند در تحکیم لیبرالیسم بورژوازی تاثیر فراوانی برجای بگذارد، تاکید بر مفاهیمی چون تاریخ، مبارزه طبقاتی، طبقه کارگر، سوسیالیسم و همچنین پراتیک انقلابی در این راستا و اتکا به نیروی عظیم توده‌های کارگر و زحمتکش، در این دنیای متحول از اهمیت بی‌نهایتی برخوردار است.

یعنی در شرایط امروز ایران که احزاب رنگارنگ بورژوازی در تلاش برای کسب قدرت سیاسی با توسل به نیروهای امپریالیستی و چشم انداز تحولات از بالا هستند، حزب کمونیست انقلابی بر اصول کمونیستی و وفاداری به اهداف سوسیالیستی که همانا تلاش برای متحقق شدن اتحاد و تشکل کارگران و کسب قدرت سیاسی بوسیله طبقه کارگر و توده‌های زحمتکش باشد، پای می‌فشارد.

در این شرایط که امپریالیست‌های آمریکا و انگلیس برای تثبیت موقعیت برتر خود در دنیای پس از جنگ سرد، با توسل به نیروی نظامی و اشغال کشورهای بی‌ثبات و ناروشنی اخیر در موقعیت بی‌ثبات و ناروشنی قرار داشته‌اند، نمونه عراق و افغانستان - و در این شرایط که اعتراضات توده‌ای و کارگری در ایران علیه رژیم اسلامی کماکان در حال رشد است و سران این رژیم جنایی را به تقلا انداخته است و از سوی دیگر که رابطه بین ایران و آمریکا و هیجاناتی که در این رابطه پخش می‌شود، می‌تواند منشاء سؤالاتی گردند که پاسخ به آنها ضروری است. آیا جمهوری اسلامی بوسیله نیروی نظامی آمریکا بزیر کشیده می‌شود؟ به عبارت دیگر آیا نمونه عراق در مورد ایران قابل تکرار شدن است؟ آیا اشغال نظامی یک کشور بوسیله آمریکا و متحدین باعث به ارمغان

## اطلاعیه حزب کمونیست ایران

## در محکوم کردن حمله پلیس فرانسه به منازل سازمان مجاهدین خلق

سحرگاه روز سه شنبه ۱۷ ژوئن برابر با ۲۷ خرداد ۱۳۸۲ پلیس فرانسه در یک اقدام ناگهانی و غیر منتظره منازل شماری از رهبران و فعالین سازمان مجاهدین خلق ایران را در حومه پاریس مورد حمله قرار داد. مطابق اخبار منتشر شده از سوی خبرگزاری‌ها تعداد ۱۶۰ نفر از افراد این سازمان در این حمله بازداشت شده‌اند. مراجع رسمی دولتی در فرانسه این عملیات را بخشی از مبارزه خود بر علیه تروریسم عنوان کرده‌اند. اما واقعیت این است که توجیه مبارزه با تروریسم در این رویداد تنها پوششی برای پنهان نگاه داشتن بند و بست‌های سیاسی و منافع اقتصادی جهانی و منطق‌های دولت‌های امپریالیستی است. دولت فرانسه با اقدام به این کار از یک سو در جهت تامین رضایت خاطر آمریکا که سازمان مجاهدین را در لیست گروه‌های تروریست قرار داده است، عمل می‌کند و از سوی دیگر راه را برای تحکیم رابطه خود با جمهوری اسلامی و امضا قراردادهای پرسود تجاری در آینده با این رژیم هموار می‌سازد.

ما این اقدام دولت فرانسه را که با اهداف کاملاً سیاسی صورت گرفته و با صدور حکم از جانب قاضی ضدتروریسم برای آن ظاهر سازی شده است، تجاوز آشکار به حقوق پناهندگان سیاسی در این کشور می‌دانیم و محکوم می‌کنیم. بدون شک افکار عمومی و پیشرو و مترقی در فرانسه ادامه بازداشت غیرقانونی افراد دستگیر شده را نخواهند پذیرفت.

## دبیرخانه کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران

۲۸ خرداد ۱۳۸۲

⇒ شرایطی بوجود آمد و مسئله قدرت سیاسی در ایران با خلا روبرو شود، آلترناتیو سوسیالیستی ایجاد می‌کند که در آن شرایط کمونیستها در فکر شکل گیری شوراهای کارگری و توده‌ای در محل زیست و کار باشند و از خلا ناشی از کشمکش بین دولت‌های بورژوازی استفاده خود را بنمایند.

اما ترس از تغییرات رادیکال در جامعه ایران، که در آن اساس و پایه های نظام سرمایه داری به مصاف جدی طلبیده شود، بورژوازی غرب و دولت ایران را میتواند به معامله و بده بستانهایی سوق دهد که خطرات حاصل از اعتراضات کارگری و توده‌ای علیه جمهوری اسلامی را بطور موقتی هم که شده باشد از سر بگذرانند.

۲۰۰۳/۶/۱۸

## اطلاعیه خبری جمعی از کارگران شهر سقز

روز ۲۸/۳/۱۳۸۲ ساعت ۱۰/۹ دقیقه محمد عبدی پور یکی از نمایندگان کارگران خباز توسط نیروهای اداره اطلاعات به جرم حمایت از حق و حقوق کارگران دستگیر و اکنون در زندان بسر می‌برد. محمد عبدی پور در سال ۱۳۷۳ به مدت ۷ سال در سمت بازرسی در انجمن صنفی کارگران خباز مشغول به فعالیت بود. در سال ۱۳۷۸ زمانی که رژیم در یک صبح چند نفر از نمایندگان کارگران خباز را دستگیر کرد. محمد عبدی پور یکی از آنها بود که مدت ۷۰ روز در سختترین شرایط در سلول‌های اطلاعات زندانی بود. این کارگر حق طلب تنها حمایت از حقوق کارگران بود، که مدام زیر فشار روحی از طرف افسران اطلاعات بود. آخرین سمت های او ۱- رئیس هیئت مدیره تعاونی مصرف کارگران خباز ۲- عضو هیئت مدیره تعاونی مسکن کارکنان دخانیات.

ما کارگران از کلیه مردم شریف و کارگران شهرستان سقز می‌خواهیم که نسبت به دستگیری این کارگر حق طلب صدای اعتراض خود را به هر شکلی که برایشان امکان دارد بلند کنند، تا این کارگر حق طلب آزاده شود.

۲۸/۳/۸۲

## جهان امروز

## سیاسی، خبری

سردبیر:

هلمت احمدیان

ha@cpiran.org

۱۵ روز یکبار منتشر می‌شود.

از صفحه ۸

## مسئله فلسطین

## و طرح «نقشه راه»

اوقات در شهرهای اسرائیل برضد سیاستهای دولت اسرائیل و علیه دولت آپارتاید اعتراض و راهپیمایی براه می‌اندازند.

اگر چه عدم وجود جبهه متشکل و سازمان یافته چپ و رادیکال کارگری راه را برای جریانات سیاسی اسلامی و مماشات جویی جریانات ملی هموار می‌کند تا هرکدام در جهت منافع

به منظور پشتیبانی از صلح و دفاع از حق تعیین سرنوشت مردم فلسطین می‌تواند توازن قوا را برضد دولت نژادپرست اسرائیل تغییر دهد و نقشه‌هایش را خنثی کند. هم حق فلسطینیان است که آزادانه دولت مستقل خود را بنیان نهند و از آوارگی و دربدری دهها ساله و زندگی مرگبار رهایی یابند و هم ضروریست تا ساکنان اسرائیل از وحشت تروریسم کور نجات یابند و در صلح و آشتی بسر برند. ۱۵ خرداد ۱۳۸۲

سیاسی و مادی خود جنبش عدالت خواهانه مردم فلسطین را به انحراف بکشاند اما بدون تردید رشد مبارزات مردم مبارز فلسطین و گسترش دامنه جنبش صلح گرایی در اسرائیل و هم سرنوشتی این دو جنبش راه را برای رشد مبارزه رادیکال و سوسیالیستی در منطقه هموار می‌سازد و به میدان داری جریانات اسلامی پایان می‌بخشد. به حرکت درآمدن همبستگی جهانی علیه تروریسم دولتی اسرائیل و تروریسم عنان گسیخته جریانات اسلامی

## Representation of Komala abroad:

دفتر نمایندگی کومه‌له

در خارج کشور

K.K. P.O.Box75026

Box 750 26 Uppsala- Sweden

Tel/Fax: +46-18-46 84 93

E-mail: komala@cpiran.org

## آدرس‌های حزب کمونیست ایران و کومه‌له

دفتر نمایندگی کومه‌له

در سلیمانیه

Tel . 3124760 - 3125815

کمیته مرکزی کومه‌له

Tel. 0044-70-775 207 81

komalah@komalah.org

Communist party of Iran:

دبیرخانه حزب کمونیست ایران

C.D.C.R.I.

Box 704 45

107 25 Stockholm - Sweden

Tel/Fax +46-08-86 80 54

E-mail: cpi@cpiran.org

– «جهان امروز» تنها مطالبی را که صرفاً برای این نشریه ارسال شده باشد چاپ می‌کند .

– استفاده از مطالب جهان امروز، با ذکر ماخذ آزاد است.

– مسئولیت مطالب «جهان امروز» با نویسندگان آن است و تنها مطالبی که با نام «جهان امروز» امضا شده باشند، موضع رسمی نشریه است.

– جهان امروز در ویرایش و کوتاه کردن مطالب رسیده آزاد است. این امر قبل از چاپ به اطلاع نویسنده می‌رسد.

– مطالب «جهان امروز» با برنامه واژه نگار تایپ می‌شود و حداکثر سقف مطالب ارسالی دو صفحه ۴۴ با سایز ۱۶ می باشد.

شماره حساب جهان امروز

S-E Banken  
F-S  
53682990054

## مسئله فلسطین و طرح «نقشه راه»

صلاح مازرجی

دوم زمانی آغاز می‌شود که کمیته چهارجانبه اعلام نماید که طرفین توانسته اند مرحله اول را با موفقیت به انجام برسانند. آنگاه کشور فلسطین با مرزهای موقت شکل می‌گیرد و انتخابات برطبق قانون اساسی انجام و یک کنفرانس بین المللی به منظور حمایت اقتصادی و گفت و گو برای ایجاد کشور موقت تشکیل می‌گردد. مرحله سوم نیز ایجاد کنفرانس بین‌المللی است که موضوعات نهایی را بررسی می‌کند مرزها را مشخص می‌سازد و پیمان صلحی را به امضا می‌رساند که تا سال ۲۰۰۵ بتواند صلحی پایدار را میان اسرائیل و

دنیای عرب برقرار سازد. لیکن طرح "نقشه راه" به هر نحوی طرح ریزی و فرموله شده باشد، در دنیای واقع این توازن قوای میان طرفین و نیروهای درگیر در مسئله فلسطین است که روند صلح و پایان دادن به کشمکشها را مشخص می‌سازد.

واقعیت این است که امروز دولت اسرائیل نه تنها جریان روبه رشد "انتفاضه" در مناطق اشغالی فلسطین را در مقابل خود دارد، بلکه در خود اسرائیل نیز با جنبش عظیم صلح خواهی روبروست.

برخلاف آن چیزی که دولت اسرائیل سعی دارد با اتکا به دم و دستگاه تبلیغاتی به افکار عمومی بقبولاند، اسرائیل فقط حزب نژادپرست لیکود و حزب کارگر نیست، در اسرائیل جنبشی صلح طلب نیز وجود دارد که بسیار موشکافانه یورش وحشیانه ارتش اسرائیل به مناطق فلسطینی و اشغالگری، ویرانگری، کشت و کشتار و به آتش کشاندن خانه های مردم را محکوم می‌سازد.

آنان با دقت وقایع هولناکی را که ارتش اسرائیل می‌آفریند به مراکز خبررسانی و موسسات دفاع از حقوق بشر گزارش می‌دهند و در بسیاری

اسرائیل توانسته است تا با بهره‌گیری از پشتیبانی ژورنالیسم غرب جنگ و اشغالگری علیه فلسطینیان را به مثابه جنگی دفاعی و ضدحمله ضروری در مقابل تروریسم فلسطین قلمداد کند و از آن بعنوان نمونه ای در جنگ علیه تروریسم سخن گوید طرح "نقشه راه" نیز همان ادعای غیر واقعی دولت اسرائیل را تایید می‌کند.

براساس طرح "نقشه راه" اسرائیل برنامه ایجاد شهرکهای یهودی نشین



را متوقف می‌سازد مشروط براینکه روند صلح به پیش برود و دولت خودگردان فلسطین شبکه های تروریستی را خلع سلاح نماید و.... این به چه معناست؟ بدین معناست که تا وقتی روند صلح بدان مرحله نرسیده باشد که بوش و شارون آن را تایید کنند و معلوم نیست چه وقت موعده فرامی‌رسد، ساخت مسکن برای یهودیان در مناطق فلسطینی همچنان ادامه خواهد داشت. این در حالیست که قطعنامه سال ۱۹۶۸ شورای امنیت که در آن زمان دولت آمریکا نیز آنرا تایید نمود از دولت اسرائیل خواسته است که از اشغال بخشهای شرقی اورشلیم و ساخت مسکن برای یهودیان خودداری کند. بدین ترتیب طرح "نقشه راه" به روشنی سیاست و عملکرد اشغالگرانه دولت اسرائیل را مورد حمایت قرار

میدهد. براساس طرح "نقشه راه" مرحله

ویرانگری پایان می‌دهد و پروژه ساختمان سازی برای یهودیان را در کرانه باختری رود اردن و نوار غزه متوقف می‌سازد.

براساس این طرح دست دولت اسرائیل باز گذاشته شده است تا آتش جنگی را که مسبب اصلی آن عملکرد اشغالگرانه، تخریب و کشت و کشتار هر روزه فلسطینیان توسط دولت نژادپرست اسرائیل است بوسیله تشکیلات خودگردان فلسطینی خاموش کند. این سیاست و اعمال

تروریستی دولت اسرائیل در مناطق فلسطینی با حمایت مالی و تسلیحاتی آمریکاست که زمینه عینی را برای رشد فعالیتهای سازمان حماس و دیگر جریانات اسلامی و تروریسم کور این گروه ها فراهم کرده است. طرح مذکور به اسرائیل امکان می‌دهد تا در بین فلسطینیان تفرقه و دو دستگی ایجاد کند.

برمبنای این طرح دولت اسرائیل می‌تواند قبل از پایان دادن به سیاست اشغالگرانه و ویران سازی مناطق فلسطینی دولت خودگردان فلسطینی را به منظور ممانعت از عملیات تروریستی گروههای اسلامی تحت فشار قرار دهد. و این یعنی برپایی درگیری مسلحانه خونین میان نیروهای دولت فلسطین و فعالین حماس و جهاد اسلامی، یعنی دولت اسرائیل قبل از اینکه به فکر از میان برداشتن زمینه های مادی رشد حرکات و فعالیتهای تروریستی جریانات اسلامی باشد، سعی دارد تا دولت خودگردان فلسطین را علیه تروریسم بشوراند و با جریانات اسلامی درگیر کند.

اگر تا به امروز دولت نژادپرست

سرانجام کابینه دولت اسرائیل با اکثریتی شکننده طرح صلح "نقشه راه" را قبول کرد و ظاهرا حق فلسطینیان را برای ایجاد کشور مستقل برسمیت شناخت. تصویب این طرح از سوی کابینه اسرائیل راه را برای نشست سه جانبه آریل شارون و "همتای" فلسطینیش محمود عباس ملقب به ابومازن و جرج بوش رئیس جمهور آمریکا که قرار است در مورد پروسه صلح به مذاکره بنشینند، هموار کرد.

سیلوان شاروم وزیر خارجه اسرائیل در رابطه با تصویب این طرح گفت: "این قطعنامه به اندازه عبور از دریای سرخ سخت و دشوار بود." از سوی دیگر شارون که زمانی تاکید می‌کرد که فلسطینیان سرزمین خود را دارند، اردن مملکت آنهاست و دیگر احتیاجی به کشور دیگری ندارند، امروز بر این امر تاکید می‌کند که بدون پیشرفت در روند صلح با فلسطینیان اوضاع اقتصادی اسرائیل بهبود ناپذیر است.

براساس طرح "نقشه راه" که از طرف کمیته چهار جانبه "آمریکا، روسیه، اروپا و سازمان ملل متحد" آماده گردیده است و دولت اسرائیل و تشکیلات خودگردان فلسطین نیز آنرا قبول کرده‌اند، ابتدا باید فلسطینیان و یا به عبارتی تشکیلات خودگردان یا سازمان آزادیبخش فلسطین متعهد شوند که به خشونت پایان دهند و برای خلع سلاح شبکه های تروریستی گامهای عملی بردارند، دستگاههای امنیتی را بازسازی کنند و با شبکههای جاسوسی و امنیتی اسرائیل همکاری نمایند و در صورت عملی ساختن این تعهدات ارتش اسرائیل به حملات خود به مناطق فلسطینی و تخریب و